روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

پنجشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۳ ■ سال سی‌ودوم ■ شماره ۹۲۳۱

جهش تولید با مشارکت مردم

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
چون خرد کمال گیرد، گفتار نقصان پذیرد.

■ اذان ظهر: ۱۱:۵۰ ■ غروب آفتاب: ۱۷:۲۶
■ اذان مغرب: ۱۷:۴۴ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۸
■ اذان صبح فردا: ۴:۵۰ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۱۴

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک:
موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن: ۹۱۳۰۴۱۴۲

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

حافظ
از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند
که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست

صفحه آخر

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار

■ معاونان سردبیر:
شهرام فرهنگی، علی عمادی
شاهین امین، حامد فوقانی
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
■ دبیر: زهرا عباسی
تندرستی:
■ مدیر: عیسی محمدی
■ دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
■ مدیر: محمد باریکانی

فرهنگ شهر:
■ دبیر: فهیمه طباطبایی
گزارش:
■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■ دبیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

شکار پرنده با لنز

برندگان مسابقه «عکاس پرنده سال» مشخص شده‌اند

این شاهین بازیگوش، تازه یک هفته است که پرواز می‌کند و هنوز مهارت‌های شکار را نیاموخته وگرنه می‌توانست به راحتی پروانه را شکار کند.
مکان: کالیفرنیای جنوبی
عکاس: جک ژی

درست وقتی ماه کامل در آسمان می‌درخشد، حواصیلی بر فراز شاخه‌های درختی خشک، ایستاده و طبیعت شبانه را از آن بالا نظاره می‌کند.
مکان: آفریقای جنوبی
عکاس: ویلیام استیل

دریاچه‌ای که پرندگان مهاجر، قبل از یخ‌زدن آب به آنجا می‌روند تا ماهیگیری کنند.
مکان: آلمان
عکاس: جولیان مندلا

جغدی از پنجره لانه‌اش بیرون می‌آید تا به صبح سلام کند. اما آفتاب چشمانش را می‌زند تا به او یادآوری کند که جغدها، مرغان شب‌اند.
مکان: فلوریدا در آمریکا
عکاس: رابرت گلوکنر

پرنده‌هایی که به خاطر برخورد با پنجره‌ها تلف شده‌اند
مکان: تورنتو
عکاس: پاتریشیا هومونیلو

قوها در صبحی دل‌انگیز، آرام روی آب شناورند و برای یک لحظه، گردن یک قو، قابی سپید برای قوی دیگر بسته و تصویری عاشقانه ایجاد کرده.
مکان: لندن
عکاس: ساموئل سی استون

مادر نگران، بدون توجه به اطراف، می‌خواهد جوجه‌هایش را از جاده‌ای مرگبار عبور دهد. البته این گروه، شانس آورده‌اند و ماشین‌ها آنها را دیده‌اند.
مکان: لهستان
عکاس: گرگرز بلوگز

عکاس با لنز زاویه باز از پرنده‌ای عکاسی کرده که از تنه درخت بلوطی پایین می‌آید. دوربین در حالت کنترل از راه دور است و در بهترین لحظه، شاتر باز و بسته می‌شود.
مکان: اسپانیا
عکاس: آندریس لوئیس دومینگز بلانکو

هوای سرد، این دسته از پرندگان را دور هم جمع کرده بود تا به‌جای لرزیدن، به هم بچسبند و خودشان را گرم کنند.
مکان: آفریقای جنوبی / عکاس: گاری کالیر

امسال هم مثل گذشته مسابقه‌ای با عنوان «عکاس پرنده سال» برگزار شد. مسابقه‌ای جهانی که هر ساله علاوه بر جمع کردن آثار هنرمندان با استعداد، بهانه‌ای است برای حمایت از پرندگان، این ساکنان آسمانی زمین. امسال ۲۳هزار عکس از هنرمندان با موضوع پرنده، در این مسابقه شرکت کردند و به تازگی برگزیدگان آن معرفی شدند. جایزه امسال ۳۵۰۰ پوند بود که نصیب پاتریشیا هومونیلو شد. او در عکس برگزیده‌اش، ۴۰۰۰ پرنده را نشان می‌دهد که در تورنتو، پس از برخورد با پنجره خانه‌ها، فروشگاه‌ها و خودروها، مرده‌اند و هومونیلو، آن را دور هم جمع و ثبت کرده تا آدمیان را تحت تأثیر قرار دهد.
هومونیلو، عکاس روزنامه‌نگار است و می‌گوید: «هر ساله بیش از یک میلیارد پرنده در آمریکای شمالی، بر اثر برخورد با پنجره‌ها می‌میرند. من به همراه گروهی، به این پرندگان آسیب‌دیده کمک می‌کنیم؛ اما در بیشتر مواقع، وقتی همراه با دوستانم سر می‌رسیم، کار از کار گذشته و پرندگان مرده‌اند.» او امیدوار است با این عکس بتواند احترام انسان‌ها را نسبت به پرندگان برانگیزد. در اینجا نگاهی به این عکس و دیگر تصاویر برگزیده می‌اندازیم.

خط خطی

معلم‌ها سر کلاس خیلی حرف می‌زنند و روزنامه‌نگارها در روزنامه قلم و حالا ترکیبش، همین می‌شود که می‌خوانید. اینها برگی از یادداشت‌های روزانه یک معلم ساده است و یک روزنامه‌نگار خط خطی.

دادزن!

سیدسروش طباطبایی‌پور

در کلاس درس به داستان ضحاک رسیدیم؛ آنجا که کاوه آهنگر، مردمان را در بازار جمع کرد و با فریادهای پر از خشمش، آنان را بر ضحاک و ضحاکیان شوراند و به داد و عدالت و ظلم‌ستیزی دعوت کرد. آرتین، شعر را خواند که: «... جهان را سراسر سوی داد خواند» و قرار شد «داد» را معنا کند. برداشت او به‌جای مفهوم عدالت، به اشتباه، داد و فریاد بود. درست در همان زمان، جلوی شیشه‌های سرتاسری کلاس به‌سوی کوچه، وانتی خرید ضایعات داد زد: «آهن‌آلات، آهن‌ضایعات، آبگرمکن...»
خنده بچه‌ها شیرین بود. بعد از سکوت نسبی گفتم: «بچه‌ها! اصلا شغلی به اسم دادزن داریم. جناب وانتی، یک دادزن استخدام می‌کنه تا هی فریاد بزنه...» که آرتین دست بلند کرد و گفت: «البته آقا... دیگه این شغل ورافتاده؛ وانتی صدای خودش رو روی گوشی ضبط می‌کنه و...» و احسان ادامه داد: «آقا... پدربزرگ من میدون حُر، حصیربافی داشت... این شغل هم دیگه کساد شده» و توی همهمه بچه‌ها، صدای سعید هم می‌آمد که می‌گفت پدر من، تا چندسال پیش، تولیدکننده کاست ضبط‌صوت بود و حالا... گفتم: «دوستان! فرق دوره نوجوونی من با شما در اینه که مشاغل در زمان ما معلوم بود و ما برای رسیدن به اون‌ها، فقط باید تلاش می‌کردیم و از طریق دانشگاه یا راه‌های دیگه، به اون‌ها دست پیدا می‌کردیم اما در عصر جدید، ماجرا کاملا متفاوته؛ یعنی معلوم نیست تا ۴سال دیگه چه مشاغلی وجود داره...» که آرتین گفت: «به‌خشکی شانس! تا به ما رسید، زندگی...» و بقیه حرفش را خورد. سعید گفت: «آقا... عموی من اوضاع خوبی داشت، صاحب یه دفتر تاکسی‌سرویس درون‌شهری بود، اما حالا تو دفترش، پرنده هم پر نمی‌زنه! تاکسی‌های اینترنتی، کاسبیش رو کساد کردن.» و دوباره آرتین گفت: «خب... پرنده‌فروشی بزنه!» که باز خنده‌ها شیرین بود! آقای وانتی، خیال نداشت جابه‌جا شود و همانطور پشت سر هم داد می‌زد. سعید گفت: «آقا کاوه چه کاره بود؟» دوباره آرتین خودش را لوس کرد و گفت: «دادزن» که دوباره، خنده‌ها، شیرین شد! گفتم: «ای بابا! هر گردی که گردو نیست، اون داد، یعنی عدل و داد...» که دوباره سعید گفت: «یعنی کاوه، کارش دادگری بود، عدالت‌خواهی؟» که دوباره آرتین گفت: «آقا! شغل دادگری هم ورمی‌افته؟» که زنگ خورد و بچه‌ها عین فنر، از جایشان جهیدند و خنده‌ها شیرین شد و وانتی، دوباره داد زد و کلاس، خالی شد و من ماندم و داد و هوار توی راهرو بچه‌ها و فکر کردن به پاسخ این سؤال اساسی؟

گرینویچ

دیپلماسی پاندایی

در دهه‌های اخیر همواره بین ۲ ابرقدرت دیرینه، یعنی چین و آمریکا، تنش‌های گوناگونی وجود داشته و دارد؛ از چالش‌های تجاری گرفته تا بگومگوهای سیاسی و اقتصادی. اما حالا چینی‌ها برای بهبود روابط این ۲ سرزمین، دیپلماسی جدیدی را در پیش گرفته‌اند؛ دیپلماسی پاندایی!
انجمن حفاظت از حیات وحش چین، این روزها اعلام کرده که ۲ پاندای غول‌پیکر و زیبا با یک فروند بوئینگ ۷۷۷ از شهر «دوجیانگیان» یکی از زیستگاه‌های بومی پانداها در چین، راهی باغ‌وحش ملی واشنگتن شده‌اند.
تبادل این ۲ پاندا به نام‌های «بیو لی» و «چینگ بیو» در راستای سیاست کاهش تنش میان ۲ کشور صورت گرفته و قرار است بعد از طی کردن دوران قرنطینه در پارک ملی جانورشناسی «اسمیتسونیان» ساکن شوند.
البته از حدود ۲۴سال پیش ۲ پاندای بزرگ دیگر، مهمان این پارک ملی بودند و میلیون‌ها بازدیدکننده را جذب خود کرده بودند، اما از حدود ۱۱ ماه پیش، پانداها به چین بازگشتند و حالا پس از بازسازی میلیاردی این پارک ملی، چشم امید علاقه‌مندان حیات‌وحش به این ۲ مهمان جدید است.
قرار است این ۲ پاندا به‌مدت ۱۰ سال و با هزینه سالانه یک میلیون دلار به آمریکایی‌ها قرض داده شوند که این مبلغ، صرف حمایت از حیات‌وحش چین خواهد شد.
۵۲سال پیش و در زمان ریاست‌جمهوری «ریچارد نیکسون» چین برای اولین بار از دیپلماسی پاندایی خود استفاده کرد و آمریکایی‌ها روی ماه ۲ پاندای سیاه و سفید را که نماد کشور چین است در کشور خود دیدند.

سکه‌های ناآشنا

سکه‌ها و اسکناس‌های محبوب دهه‌های گذشته چنان از رونق افتاده که نسل زد اصلا آنها را نمی‌شناسند

فاطمه عباسی

ما دهه‌شصتی‌ها ۳۰سال پیش که هنوز بچه بودیم، صبح‌ها با صدای قل‌قل یک سماور بزرگ بیدار می‌شدیم و نان سنگک تازه را با پنیر لیقوان و شیر داغ می‌خوردیم و بعد از صبحانه می‌رفتیم سراغ پیچ تلویزیون، روشنش می‌کردیم و کلی با آنتنش ور می‌رفتیم تا بتوانیم شبکه ۲ را بگیریم و کمی کارتون ببینیم. مدرسه هم که تمام می‌شد، توی کوچه با بچه‌های همسایه فوتبال، هفت‌سنگ و دوچرخه بازی می‌کردیم و گرم‌مان که می‌شد می‌دویدیم سمت خانه و دهانمان را می‌گرفتیم زیر شیر کلمن که آب یخ بخوریم.
حالا با اینکه فقط حدود ۳۰سال از دوران کودکی ما گذشته، اما انگار به اندازه ۱۰۰سال متفاوت از بچه‌های امروز زندگی کرده‌ایم؛ بچه‌هایی که با صدای قُل‌قُل چای‌ساز بیدار می‌شوند، از یخ‌ساز یخچال آب می‌خورند و اسم کلمن برایشان ناآشناست. خیلی که گرسنه شوند کمی شکلات صبحانه را روی نان تست بسته‌ای بی‌مزه‌ای که پدرشان دیشب خریده می‌مالند؛ چون می‌دانند ساعت ۱۱ بیدار شده‌اند و ۲ساعت دیگر وقت ناهار است. کمی با گوشی مادرشان بازی می‌کنند. توی مجتمع آپارتمانی‌شان هیچ دوستی ندارند، به‌جای فوتبال و دوچرخه‌سواری در کوچه با پلی‌استیشن بازی می‌کنند و به‌طور کلی با فضای دوران پدرشان بیگانه هستند.
همه اینها را گفتیم چون یکی از همین نسل زدی‌ها، تصویر یک سکه ۲۵تومانی را در فضای مجازی منتشر کرده و انگار که درباره عهد دقیانوس حرف بزند، گفته که تا به حال این سکه را ندیده است و مسابقه گذاشته تا اگر کسی می‌داند چیست، بگوید؛ همان سکه‌ای که ما تا همین چند سال پیش با آن برای وعده ناهار، نان تازه می‌خریدیم! البته این فقط سکه ۲۵تومانی نیست که بچه‌های امروزی از آن چیزی نمی‌دانند چون چشم‌شان فقط به کارت‌های بانکی و تراول عادت دارد، سکه ۵تومانی، ۲تومانی و اسکناس‌های ۱۰تومانی، ۲۰تومانی و ۵۰تومانی هم جزو همان پول‌های قدیمی و مسکوکات دوران بچگی ما دهه شصتی‌ها هستند. حالا این تصاویر خاطره‌بازی با همین سکه‌ها و اسکناس‌هاست که متولدان دهه ۹۰ و ۱۴۰۰ به بعد هیچ‌وقت از نزدیک آنها را ندیده‌اند.

این فقط سکه ۲۵تومانی نیست که بچه‌های امروزی از آن چیزی نمی‌دانند چون چشم‌شان فقط به کارت‌های بانکی و تراول عادت دارد

سوژه روز

لواشک جهانی ما

ترش و شیرین، خانگی و شرکتی، بهداشتی و غیربهداشتی... فرقی ندارد، لواشک برای ما ایرانی‌ها از آن دسته تنقلاتی است که همه‌جوره‌اش را دوست داریم. همین که آلوها و آلبالوها روی درخت‌ها سبز می‌شوند، بعضی ها دست به‌کار می‌شوند و سینی‌های لواشک را روی پشت‌بام‌ها علم می‌کنند.
این خوراکی دوست‌داشتنی ایرانی البته مدتی هم هست که در شبکه‌های اجتماعی در دنیا مشهور شده و حتی همین چند وقت پیش بلاگرها در تیک‌تاک و اینستاگرام از لواشک خوردنشان فیلم می‌گرفتند و به اشتراک می‌گذاشتند تا عده زیادی قفسه‌های فروشگاه‌ها را برای خرید لواشک زیرورو کنند که همینطور هم شد. حالا هم سایت تخصصی «اطلس‌مزه» که در زمینه انواع غذاها و خوردنی‌ها پژوهش می‌کند و شهرتی جهانی دارد، در حساب اینستاگرامی خود، پستی از طرز تهیه لواشک منتشر کرده و نوشته: «لواشک چرم میوه سنتی ایرانی است که از پختن و پوره کردن میوه‌ها تهیه می‌شود و سپس مخلوط را به‌صورت نازک پخش می‌کنند تا در آفتاب یا آبگیر خشک شود. این میان‌وعده جویدنی و ترش را می‌توان از میوه‌های مختلفی مانند آلو، زردآلو، آلبالو، سیب یا انار تهیه کرد. این فرایند منجر به یک ورقه متراکم و طعم‌دار می‌شود که به قطعات بریده می‌شود و به‌عنوان یک خوراکی غلیظ از آن لذت می‌برند. لواشک در آشپزی ایرانی محبوب است و به‌خاطر طعم‌های طبیعی و غلیظ میوه‌اش مورد استقبال قرار می‌گیرد.»